

متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان به همراه اқشار مختلف مردم - 21 / تیر / 1378

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران عزیز؛ خیلی خوش آمدید. حرفهای گفتنی زیاد است؛ اما مطلبی که از نظر من مهمتر از همه است و ذهن مرا مشغول کرده، حمله به خوابگاه جوانان و دانشجویان است. این حادثه تلخ، قلب مرا جریحه دار کرد؛ حادثه غیرقابل قبولی در جمهوری اسلامی بود. حمله به منزل و مأوا و مسکن جمعی - بخصوص در شب یا در هنگام نماز جماعت - به هیچ وجه در نظام اسلامی قابل قبول نیست. جوانان این کشور - چه دانشجویان و چه غیر دانشجویان - فرزندان من هستند و هرگونه چیزی که برای این مجموعه ها مایه اضطراب و ناراحتی و اشتباه در فهم باشد، برای من بسیار سخت و سنگین است. هرکسی بوده، فرق نمی کند؛ چه در لباس نیروی انتظامی، چه در غیر آن. مسلماً یا؛ ف کسانی که در نظام جمهوری اسلامی تخلف می کنند، باید برخورد شود؛ اما با کسی که تخلفی نکرده است؛ کسی که در خانه خود در حال استراحت است، آن هم در محیط جوان دانشجویی، کار بسیار خطا و ناروایی است اگر برخورد شود.

این که صد نفر یا دویست نفر از کوی دانشگاه خارج شدند و حرفهایی زدند و شعارهایی دادند، بهانه و مجوزی نمی شود برای این که کسانی، در هر لباس و با هر نامی، وارد آن محیط شوند و کارهای ناروایی انجام دهند؛ بخصوص وقتی که نام مقدس نیروی انتظامی در میان می آید، عملی که موجب شود نیروی انتظامی بدنام گردد، قضیه را سخت تر می کند. شما می دانید که امروز نیروی انتظامی در اطراف کشور، در جاده ها، در مرزها، در برخورد با اشرار، چه جانفشانیهایی می کند و چه زحماتی می کشد. چقدر از اینها برای حفظ امنیت ما، جان خود را از دست می دهند. با این حال، به وسیله چند نفر عملی انجام شود که چهره این خدمتگزاران در نظر بعضی تیره گردد؛ آیا این انصاف است؟! یا آن طوری که نقل کرده اند، بعضی با آوردن نام مقدس «یا حسین» و «یا زهرا» وارد اتاق دانشجوی بسیجی یا دانشجوی جانباز شوند و او را از خواب بپرانند، یا آن طور حوادثی را به وجود آورند؛ آیا این درست است؟! اینها قلب را می فشارد. این همه جوان مؤمن، عاشقان امام حسین، عاشقان فاطمه زهرا، در همه جای کشور، در خدمت اسلام، در خدمت کشور، در طول دوران دفاع مقدس، در هر خطری که این کشور را تهدید کند، سینه سپر می کنند و وارد می شوند؛ اما بعد کسانی با استفاده از این نامها حوادثی را به وجود آورند. برای من، حادثه خیلی تلخی بود. البته من تأکید کردم که اطراف این حادثه تحقیق شود و بروند حادثه را درست بسنجند. قرار شد رئیس جمهور محترم و مسؤولان، هیأت تحقیقی را تعیین کنند؛ من هم ممکن است خودم کسی را در این هیأت بگذارم. من چند حرف دارم؛ یک حرف با دانشجویان، یک حرف با عموم ملت ایران، یک حرف، بخصوص با شما جوانان، یک حرف هم با دشمن. حرف من به دانشجویان این است که مراقب دشمن باشید؛ دشمن را خوب بشناسید؛ مبدا از شناسایی دشمن غفلت کنید. غریبه هایی را که در لباس خودی خودشان را در همه جا داخل می کنند بشناسید؛ دستهای پنهان را ببینید. هیچ کس به خاطر غفلت ستایش نمی شود. هیچ کس به خاطر چشمها را بر هم گذاشتن، مدح نمی شود. اگر بر آدم غافل ضربه ای وارد شد، اول کسی که مسؤول و مذموم است، خود اوست؛ مراقب باشید. دانشجو، قشر فاخر و با ارزشی است. دشمن، دانشجو را هدف گرفته است. چند سال است سعی می کنند بلکه بتوانند دانشجویان را در مقابل نظام قرار دهند؛ اما موفق نشدند؛ بعد از این هم موفق نخواهند شد. اگر يك عده نفوذی خواستند از فرصتی استفاده کنند و از آب گل آلودی ماهی بگیرند - وارد اجتماع دانشجویان شدند و شعارهایی درست کردند و حرفهایی زدند - خیال نکنند که ما اشتباه خواهیم کرد؛ نه، ما اشتباه نخواهیم کرد. ما مخاطب و طرف خودمان را می شناسیم. دانشجو، فرزند ماست؛ متعلق به ماست؛ متعلق به این کشور است. دشمن است که می خواهد با نام دانشجو یا با نام نفوذ در میان دانشجویان، فساد و تباهی کند؛ خود دانشجویان بایستی هوشیارانه متوجه باشند.

در يك چنین موقعیت و فصل حساسی مثل این فصل سال - فصل امتحانات دانشجویی، فصل کنکور؛ که همه

خانواده هایی که جوانی دارند، این فصل که می شود، همه همت خودشان را می گذارند که جوانشان حواسش جمع باشد و بتواند در امتحان یا در کنکور موفق شود - آن کدام دستی است، آن کدام دشمن آینده این مملکت و دانشگاه این مملکت است که این طور جوانان را به يك سمت انحرافی می کشاند، سرگرمی درست می کند و تشویق می نماید به این که سراغ درس و سراغ امتحان نروید ؛ اجتماع کنید؟! اول کسی که این جا باید هوشیارانه چشم خود را باز کند و تصمیم بگیرد، خود دانشجویست.

به ملت ایران هم عرض می کنم: ای ملت بزرگ و شجاع که بیست سال است دشمنی را که انقلاب از این کشور بیرون راند، با قدرت پشت در نگه داشتید و نگذاشتید که این دشمن از هیچ منفذی وارد شود ؛ بهوش باشید. این معنای حرفهای مکرری است که من در این چند سال به ملت ایران و به مسؤولان عرض کرده ام که دشمن درصدد نفوذ است. هر پنجره ای پیدا کند، وارد خواهد شد ؛ هوشیاریتان را بیشتر کنید. دشمن، امنیت ملی ما را هدف گرفته است. امنیت ملی برای يك ملت، از همه چیز واجبتر است. اگر امنیت ملی نباشد هیچ دولتی نمی تواند کار کند ؛ برای سازندگی، هیچ سنگی روی سنگ گذاشته نخواهد شد. وقتی که هرج و مرج و ناامنی باشد، هیچ مشکلی از مشکلات مملکت حل نخواهد شد ؛ نه اقتصاد مردم، نه فرهنگ مردم، نه مسائل اجتماعی مردم، نه مسائل سیاسی مردم. وقتی امنیت نبود، همه اینها از بین خواهد رفت. دشمن این را هدف گرفته است. این را ملت ایران در همه جای کشور باید بفهمد ؛ که البته می فهمد و می داند. بحمدالله ملت هوشیار است.

يك حرف هم به شما جوانان عرض می کنم. جوانان عزیز! شما امیدهای انقلاب و اسلامید. رفتار شما می تواند این مملکت را در جهت شکوفایی، با سرعت به پیش ببرد. وقتی جوان مملکت هوشیارانه، با تدبیر، با حلم و با توجه به موقعیتهای، حرف بزند و تصمیم بگیرد و عمل کند، کشور گلستان خواهد شد. وقتی هیجانات کور، پا وسط بگذارند، دشمن فوراً استفاده خواهد کرد. بارها گفته ام، باز هم تکرار می کنم ؛ من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه میدانها حضور و آمادگی داشته باشد ؛ منتها با انضباط. این گونه حرکاتی که ملاحظه شد کسانی که دانشگاه حمله کنند، ناشی از بی انضباطی است ؛ با هر نامی انجام گیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام گیرد، غلط است ؛ اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام گیرد، غلط است. مگر من بارها نگفته ام در اجتماعات کسانی که مخالفند، هیچ کس نباید رفتار خشونت آمیز داشته باشد ؛ چون این، دشمن را خوشحال می کند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمی کنند؟! حتی اگر يك حرفی که خون شما را به جوش می آورد به زبان آورند - مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند - باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب اللهی باید در مقابله با دشمن بایستد، حفظ کنید، والا حالا فرض کنیم يك جوان، یا يك دانشجوی فریب خورده ای هم حرفی زد و کاری کرد ؛ چه اشکالی دارد؟ من از او صرف نظر می کنم.

و اما يك مطلب به دشمن می گویم ؛ هر که هست و هر جا هست. دشمنان اصلی ما در سازمانهای جاسوسی، طراحان این قضایا هستند. این پولی که مجلس امریکا تصویب کرد که باید برای مبارزه با نظام ایران صرف شود، این پول و چندین برابر این پولها کجا مصرف شد؟! معلوم است ؛ برای همین طور طراحیهایی مصرف می شود ؛ شکی نیست. این دشمنان بدانند که خواب برگشتن امریکا به این مملکت، يك خواب پریشان و غیرقابل تعبیر است. این عناصر داخلی حقیر، این عناصر سیاسی مطرود و منفور، که ملت اینها را مثل دندان فاسدی بیرون آورد و به يك طرف پرتاب کرد، هجده، نوزده سال است که کمین گرفته اند تا از ملت و از امام و از نام امام و از راه امام انتقام بکشند. اینها هم بدانند که اشتباه کردند ؛ در همین قضیه هم اشتباه کردند، خودشان را لو دادند و چهره خودشان را مشخص کردند. درست است که به دستگاه اطلاعاتی ما آن ضربه ناجوانمردانه را وارد کردند ؛ به دستگاه انتظامی ما هم در این جا این ضربه را وارد کردند، اما عناصر خدمتگزار و سربازان مخلص و بدون نام و نشان جمهوری اسلامی، اطلاعات را کسب می کنند و می فهمند که چه کسی در کجاست و چه کار می کند. نمی توانند این ملت را با این روشها از صحنه مبارزه در راه استقلالشان، در راه اسلام عزیزشان و در راه مبارزه با دشمنانشان عقب برانند. يك نکته هم به این خط و خطوط سیاسی عرض کنیم. آقایانی که سردمداران خطوط سیاسی و گرایشهای سیاسی

هستید، حالا برسید به این حرفی که ما می‌گوییم شما خودیها وقتی سر قضایای بیهوده این طور با هم درگیر می‌شوید، دشمن سوءاستفاده می‌کند؛ بفرمایید، این يك نمونه؛ دیدید دشمن چطور استفاده کرد؟! دیدید دشمن چگونه نیش خود را زد؟! این مسائل را کنار بگذارید. البته ما اصرار نداریم که همه يك طور فکر کنند؛ اما برای کار سیاسی و درگیری سیاسی، حدی قائل شوید و خط قرمزی بگذارید. بی حساب و کتاب با هم مبارزه نکنید که آن قدر مشغول شوید که به دشمن اجازه دهید این طور بیاید و داخل این میدانها بشود. سر این قضیه قانون مطبوعات و سر قضایای گوناگون دیگر، چه جنجال و چه دعوایی به راه افتاد! همه اش مسائل خط و خطوط! برای چه؟ برای این که قانونی در مجلس تصویب می‌شود! من به يك جریان سیاسی خاص اشاره نمی‌کنم؛ خطاب من به همه است. برای من، آن خط و این خط و هر خط سیاسی و سلیقه سیاسی دیگر، تفاوت نمی‌کند. برای من، مناط و ملاک، راه خدا و راه امام و راه اسلام و حفظ کشور و رعایت مصالح مردم و حفظ آینده کشور مطرح است. برای من فرقی نمی‌کند که فلان کس متعلق به خط «الف» است، فلان کس متعلق به خط «ب» است. من به همه عرض می‌کنم؛ شما هم هشیار باشید.

آخرین جمله را هم به امام و مقتدای خودمان ولی عصر ارواحنا فداه عرض کنیم: ای سید و مولای ما! پیش خدای متعال گواهی بده که ما در راه خدا تا آخرین نفس ایستاده ایم. بزرگترین آرزو و افتخار بنده این است که در این راه پُرافتخار و پُر فیض و پُر بهجت، جان خودم را تقدیم کنم. ان شاء الله خداوند متعال شما را موفق و مؤید بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته